

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنما و طرح درس خوانش

کتاب "خفاش دیوانه"

ویژه معلمان و مربیان برای زنگ خوان یار

سازمان مدارس راه ایمان خوزستان

تابستان ۱۴۰۴

- نام کتاب: " خفاش دیوانه "
- نویسنده : جین ویلیس
- تصویرگر: تونی راس
- مترجم: معصومه انصاریان
- انتشارات: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- گروه سنی: بالای ۷ سال

خلاصه داستان:

خفاشی برای نخستین بار وارد جنگل می‌شود. جانوران برای خوش آمدگویی نزد او می‌روند. خفاش حرف‌های عجیبی می‌زند که باعث تعجب همه می‌شود. او همه چیز را وارونه می‌بیند. آسمان زیرپایش است، به جای اینکه چتر را روی سرش بگیرد روی پایش می‌گیرد و می‌گوید چمن بالای سرش است. حیوانات از او می‌ترسند و جغد دانا را می‌آورند. جغد از حیوانات می‌خواهد مانند خفاش به همه چیز نگاه کنند. وقتی حیوانات وارونه می‌شوند تازه حرف خفاش را می‌فهمند.

مقدمه:

کودکان تا سن ۷ سالگی قدرت این را ندارند که خودشان را به جای فرد دیگری بگذارند، آنها نقطه نظر دیگران را نمی‌فهمند و خودشان را محور کائنات می‌پندارند. به این امر خود محوری یا خود مرکز گرایی گفته می‌شود .

آزمایش معروفی وجود دارد به اسم آزمایش ۳ کوه، ابزارهای این آزمایش یک میز با چهار صندلی و ۳ تپه مقوایی با اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف هستند. روی یک تپه خانه‌ای وجود دارد و روی دیگری یک صلیب کودک روی یک صندلی می‌نشیند و عروسک روی صندلی در ضلعی دیگر است. اگر از بچه سوال شود که عروسک چه می‌بیند و چه می‌گوید، بچه از بین عکس‌ها عکسی را انتخاب می‌کند که خودش می‌بیند، یعنی نمی‌تواند خودش را جای فرد دیگری (عروسک) قرار دهد. کودک خود محور، بین نقطه نظر خود و نقطه نظر دیگران تفاوتی قابل نیست و تصور می‌کند جهانی که خود می‌نگرد همان جهانی است که دیگری نیز می‌نگرد .

در داستان خفاش دیوانه حیوانات با زاویه نگاه متفاوتی روبه‌رو شده‌اند و نمی‌توانند آن را درک کنند. از نظر حیوانات تنها زاویه دید درست، چیزی است که آن‌ها می‌بینند. اما روند داستان آنان را به تغییر زاویه دید دعوت می‌کند .

باید به این نکته آگاه باشیم که ما هر رویدادی را براساس ارزش‌گذاری‌های ذهنی، اطلاعات قبلی، تاثیرات محیط و وضعیت روحی خود درک می‌کنیم. ممکن است مساله‌ای که سبب خشم ما می‌شود برای فرد دیگری پیش بیاید ولی او

خشمگین نشود. چون او موضوع را از زاویه دیگری دیده و به شکل متفاوتی درک کرده است. به طور مثال اگر بدانیم یکی از اعضای خانواده با مشکلی روبه‌روست، به او بابت بی‌حوصله بودن حق می‌دهیم. در چنین شرایطی در واقع خودمان را جای فرد گذاشته و از چشم او دنیا را دیده‌ایم.

در این مرحله رشدی، کودکان باید به خوبی بیاموزند که همه‌ی واقعیت آن چیزی نیست که خودشان می‌دانند و درک می‌کنند. ممکن است مواردی از نگاه آنان مغفول مانده، یا اصلاً در موردی به اشتباه افتاده باشند. خیلی از مواقع نیز ذهن انسان به سمت چیزی که برای او آشناست یا به نفع اوست سوگیری دارد و مسائل را به آن سمت و سو، درست طبق میل و خواسته‌ی خودش تفسیر می‌کند. ادراک‌های اشتباه که سبب قضاوت‌های غلط می‌شوند، تأثیرات بدی چون رفتارهای خشونت‌آمیز و اتفاقات جبران‌ناپذیر را به‌جا می‌گذارند.

خطاهای شناختی یا **Cognitive Errors** از دیگر نکات مهمی است که در این بحث باید به آن بپردازیم. این خطاها، هنگام تحلیل و تفسیر و قضاوت در مورد رویدادها ما را به دام خود گرفتار می‌کنند و باعث می‌شوند که ما نتوانیم شرایط موجود را به درستی ارزیابی کرده و بهترین گزینه‌ی پیش رو را انتخاب کنیم. هرچند همیشه هم بد نیستند و گاهی در شرایط بحرانی به ما کمک می‌کنند تا سریع‌تر تصمیم بگیریم. تعدادی از مشهورترین خطاهای شناختی را در ادامه بخوانید:

• خطای شناختی ذهن خوانی

خطای شناختی ذهن خوانی (**Mindreading**) یا خطای شناختی پیشگویی، نوعی از انواع خطاهای شناختی است که باعث می‌شود افراد، بدون داشتن هیچ شواهد منطقی از افکار دیگران، در مورد فکری که آن‌ها در مورد او می‌کنند بیاندیشند. خطای شناختی ذهن خوانی، باعث ایجاد سوءتفاهم و مشکلات در روابط میان افراد می‌شود.

• خطای شناختی فاجعه سازی

خطای شناختی فاجعه سازی (**Catastrophizing**) یا خطای شناختی درشت‌نمایی، یکی از انواع خطاهای شناختی مهم و تأثیرگذار بوده و باعث می‌شود تا فرد یک موضوع کوچک و جزئی را بزرگ و غیر قابل تحمل، جلوه دهد. به عبارتی دیگر "از کاه، کوه بسازد". افراد با خطای شناختی فاجعه سازی، از عبارت "چه می‌شد اگر ..."، به شکلی افراطی در گفتگو با خود استفاده می‌کنند.

• خطای شناختی همه یا هیچ یا تفکر قطبی

خطای شناختی همه یا هیچ (**All or Nothing Thinking**) یا خطای شناختی قطبی شده، یا به عبارتی دیگر، خطای شناختی صفر و صد، یکی از انواع خطاهای شناختی است که باعث می‌شود تا افراد رخداد های زندگی خود و جهان اطراف را به شکل سیاه و سفید، در نظر بگیرند. در خطای شناختی همه یا هیچ، یک موضوع یا کاملاً خوب یا کاملاً منفی و بد خواهد بود.

• خطای شناختی تعمیم افراطی

خطای شناختی تعمیم افراطی (Overgeneralization)، که یکی از انواع خطاهای شناختی است. موجب این می شود که فرد، چیزی را بیش از حد تعمیم داده و یک رویداد منفی یا ناخوشایند را به اکثر زمینه‌های زندگی خود نسبت دهد. افراد با خطای شناختی تعمیم مبالغه آمیز، از عبارت هایی مانند “همیشه”، “هرگز”، “همه چیز” و “هیچوقت” به شکلی اغراق آمیز و افراطی، استفاده می کنند.

هدف از خواندن این کتاب:

کودکان بیاموزند که می توانند از زوایای دیگری به دنیا نگاه کنند و تنها زاویه دید خود را درست ندانند. این نگاه همه جانبه به کودکان کمک می کند تا از قضاوت دیگران و ناراحتی و خشم بیهوده دور باشند.

با کتاب همراه شویم:

خفاش وارد جنگل می شود و حیوانات می خواهند بدانند چه چیزی دوست دارد تا به او هدیه دهند. حیوانات در برخورد اول حرف عجیب او در مورد چتر را زیاد جدی نمی گیرند و حتی بزکوهی می گوید هرکسی ممکن است اشتباه کند. تا اینکه خفاش می گوید آسمان زیر پایش است. در تصویر، زرافه تا جایی که توانسته گردنش را می چرخاند ولی نمی فهمد آسمان چطور زیر پای کسی است؟

کم کم عجیب بودن خفاش برای همه مشخص می شود. شیر پایش را توی آب می برد تا متوجه شود گوش خفاش چطور خیس می شود. خفاش می گوید اگر کلاه بگذارم روی چمن های زیر سرم می افتد!

حالا همه حیوانات معتقدند خفاش دیوانه شده و با هم سراغ جغد دانا می روند. در این نقطه از داستان است که حیوانات با درک نکردن زاویه نگاه متفاوت خفاش به او برچسب می زنند. همچنین در تصاویر، چهره حیوانات متعجب و ترسیده است. جغد کاری را انجام می دهد که حیوانات باید از ابتدا انجام می دادند. او با خفاش وارد گفت و گو می شود تا نگاهش را بهتر درک کند. از او می پرسد درخت چه شکلی است؟ کوه چه شکلی است؟ بزکوهی که بارها از کوه بالا رفته و قله را آن بالا دیده، می گوید خفاش دیوانه است.

حیوانات می خواهند دکتر خبر کنند. یعنی وضعیت خفاش را خیلی بد ارزیابی می کنند. اینکه نوک کوه بالا است برای آنان یک امر بدیهی است و نمی توانند تحمل کنند که کسی امر بدیهی آنان را اشتباه درک کند. خوب است با خود مرور کنیم ما در زندگی چه چیزهایی را بدیهی می دانیم و فکر می کنیم هیچ کس نباید آنها را جور دیگری ببیند.

جغد دانا از همه می‌خواهد در وضعیت‌ی وارونه قرار بگیرند تا همه‌جا را مثل خفاش ببینند. حالا می‌توانند او را بهتر درک کنند. همه‌ی حیوانات وارونه می‌شوند حتی خود جغد. بز کوهی که گفت خفاش دیوانه شده، حالا می‌گوید خفاش راست می‌گفت، اگر این‌طوری نگاه کنی قله‌ی کوه پایین است. در تجربه‌ی مشاهده‌ی متفاوت جهان، آن‌قدر به حیوانات خوش می‌گذرد که خفاش باید بگوید دیوانه‌بازی درنیاورید!

پیش از خواندن کتاب:

- میوه‌ای که طعمی بین ترش و شیرین دارد به کلاس بیاورید و بین بچه‌ها تقسیم کنید. بعد پرسید میوه چه طعمی داشت؟ اگر نظراتشان متفاوت بود پرسید چرا نظرات متفاوت است.
- با استفاده از طلق‌های رنگی عینک بسازید و وقتی روی چشم بچه‌هاست اشیایی به آنها نشان دهید تا رنگ آن را بگویند.
- از بچه‌ها پرسید می‌دانند خفاش چه رنگ و شکلی دارد؟
- از بچه‌ها پرسید دوست دارند داستان یک خفاش عجیب را بشنوند؟
- روی تخته یک مثلث رو به بالا و یک مثلث رو به پایین بکشید و از بچه‌ها پرسید کدام یک کوه است؟
- یک درخت روی زمین و یک درخت برعکس بکشید و پرسید کدام درخت است؟
- تصاویر کتاب را با بچه‌ها مرور کنید و از آنها بخواهید حدسشان را در مورد داستان بگویند.
- کتاب را سر و ته کنید و تصاویر را به صورت وارونه به بچه‌ها نشان دهید، حالا درباره‌ی داستان چه نظری دارند؟

هنگام خواندن کتاب:

- کودکان تصاویر را به دقت ببینند و درباره آن صحبت کنند.
- در صحنه‌های وارونه، شما هم کتاب را وارونه کنید.
- متن و تصاویر کتاب، بیان طنز دارند، لحن مرپی نیز می‌تواند به شگفتی داستان بیافزاید و بچه‌ها را حسابی بخنداند.
- در صفحه اول توجه بچه‌ها را به وارونه بودن ماه جلب کنید.
- جایی که خفاش، چتر می‌خواهد از بچه‌ها پرسید وقتی باران می‌بارد سرتان خیس می‌شود یا پاها؟
- از بچه‌ها پرسید آسمان کجاست؟ زیر پا یا بالای سرتان؟
- از بچه‌ها پرسید چمن کجاست زیر پا یا بالای سر؟

- توجه بچه‌ها را به شیر که دارد پایش را خیس می‌کند جلب کنید و بپرسید بنظر تان شیر چه کار می‌کند؟
- جایی که کرگدن وارونه شده، پیش از خواندن از بچه‌ها بپرسید بنظر تان کرگدن چه کار می‌کند؟
- توجه بچه‌ها را به چهره متعجب حیوانات جلب کنید.
- از بچه‌ها بپرسید چرا حیوانات به سراغ جغد رفتند؟ جغد چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا او می‌تواند مشکل را حل کند؟
- در تصاویری که حیوانات وارونه شدند پیش از خواندن متن بخواهید بچه‌ها حدس بزنند که چه خبر است.

بعد از خواندن کتاب:

- از بچه‌ها بخواهید هر جا که نشسته‌اند بگویند چه چیزهایی می‌بینند، و روی نکات متفاوتشان تمرکز کنید. مثلا کسی که کنار پنجره است چیزهای متفاوتی می‌بیند .
- از بچه‌ها بپرسید کدام حیوان دیرتر از همه خفاش را قضاوت کرد و کدام زودتر؟
- از بچه‌ها بپرسید چه زمانی احساس کردند نگاه متفاوتی با دیگران دارند؟
- چه چیزی را متفاوت از دیگر دوستانشان می‌بینند یا نظر متفاوتی نسبت به آن دارند؟
- از بچه‌ها بپرسید خفاش واقعا دیوانه بود؟
- از بچه‌ها بپرسید که کدام حیوان برخورد درست‌تر و بهتری داشت؟
- آیا تا به حال با کسی مواجه شده‌اند که شبیه خفاش، عجیب باشد؟ چه چیزی او را عجیب کرده بود؟
- بز کوهی که گفت هرکسی ممکن است اشتباه کند، چرا با بقیه حیوانات رفت؟
- میمون کجا گفت که خفاش عجیب است؟
- فیل کی فکر کرد که خفاش دیوانه شده؟
- جغد دانا چرا همان اول مثل بقیه نگفت که خفاش دیوانه شده؟ شما هم مثل جغد دانا صبر می‌کنید تا از چیزی مطمئن شوید؟
- کوه روی تخته که پیش از داستان کشیدید را نشان دهید و بپرسید کدام کوهی است که خفاش می‌دید؟
- از بچه‌ها بپرسید آیا دوست دارند مثل خفاش به چیزها نگاه کنند؟

بازی و تمرین:

پس از شنیدن داستان، می‌توان با انجام بازی‌ها و فعالیت‌های مختلف، خلاقیت و تفکر کودکان را شکوفا کرد.

- اوریگامی خفاش بسازید.
- کودکان روی مقواهای کوچکی نقاشی کنند و بین کلاس پخش شود هرکس کارت دست خودش را به شکل وارونه توصیف کند.
- ماسک حیوانات داستان را بسازید و هر کودک نقش یکی از آن‌ها را بازی کند.
- مسابقه نقاشی وارونه اجرا کنید. بچه‌ها پای تخته بایند و چیزی را وارونه بکشند تا دیگران حدس بزنند.
- تصویر زیر را نشان داده و بپرسید چه در تصویر می‌بینند. در جواب کودکان که می‌گویند دو مثلث، توضیح دهید که فقط یک مثلث نقاشی شده. آن‌ها به دلیل خطای دید دو مثلث می‌بینند.
- مانند تصویر زیر دو خط هم اندازه روی تخته بکشید و انتهای یکی را باز و یکی را بسته بگذارید. از بچه‌ها بپرسید کدام یک بزرگ‌تر است؟ سپس با خط کش اندازه بگیرید.
- موقعیت‌هایی را برای بچه‌ها مثال بزنید و از آن‌ها بپرسید دلیل آن اتفاق را چه می‌دانند؟ مثلاً دوستشان به تنهایی به زنگ تفریح رفته یا سلام نکرده. سعی کنید موقعیت‌ها از اتفاقات روزمره‌ی بچه‌ها باشد. سعی کنید آن‌ها را به سمت احتمالات دیگر سوق دهید. مثلاً بگویید فکر نمی‌کنی ممکن است تو را ندیده باشد؟ یا از صبح از چیزی (که لزوماً مربوط به تو نیست) ناراحت باشد؟
- یک شیء که دو سمت متفاوت دارد مثلاً یک سیب که یک‌طرفش خراب است را جلوی دونفر بگذارید. به شکلی که سمت دیگر را نبینند. بچه‌ها آن‌چه می‌بینند را توصیف کنند. و به تفاوت بخشی که نمی‌بینند پی ببرند.
- از بچه‌ها بخواهید کتابی (کتاب داستان یا کتاب فارسی و علوم مدرسه) را وارونه کنند و سعی کنند آن را بخوانند و تصاویرش را بفهمند. این تجربه می‌تواند بامزه و نشاط آور باشد.